

راه رسیدن به عدالت آموزشی در گفت‌وگوی «جوان» با سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش

ما خیلی زود به سمت خصوصی‌سازی مدارس رفتیم

سخنگوی آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با «جوان»: در حالی که هنوز کارخانه‌ها، خودروسازی، پالایشگاه‌ها و صنایع بزرگ دولتی هستند

آموزش‌وپرورش نباید اولین حوزه‌ای باشد که به بخش خصوصی واگذار می‌شود

«مدرس» نخستین جایی است که کودکان رؤیاهای شان را می‌سازند. کلاس‌های درس، زنگ‌های تفریح، تخته‌های سیاه و کتاب‌های درسی، همه و همه مقدمه‌ای برای آینده‌ای هستند که شکل می‌گیرد. یکی از آنها می‌خواهد پزشک شود، دیگری مهندس، نویسنده، هنرمند یا شاید معلمی دلسوز که روزی چراغ راه نسل‌های بعدی باشد، اما آیا همه کودکان فرصت برابر برای رسیدن به رؤیاهای‌شان را دارند؟ پاسخ، متأسفانه خیر است! بدون شک عدالت آموزشی، فقط یک واژه نیست، بلکه حقی است که باید در هر کلاس درس، در هر مدرسه، در هر روستا و شهری جاری باشد، اما هنوز فاصله زیادی تا تحقق آن داریم، اما چرا! این فاصله وجود دارد؟ آیا نظام آموزشی ما دانش‌آموزان را برای زندگی آماده می‌کند یا فقط برای آزمون‌ها؟ چگونه می‌توان آموزش را از یک رقابت نفسگیر به یک مسیر رشد و شکوفایی تبدیل کرد؟ در این رابطه «جوان» با علی فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش، گفت‌وگو کرده و چالش‌ها، فرصت‌ها و مسیر پیش‌روی نظام آموزشی کشور را مورد بررسی قرار داده است.

■ ■ ■

رؤسای دولت‌های مختلف و وزرای آموزش‌وپرورش همواره بر ارتقای کیفیت آموزش و برقراری عدالت آموزشی تأکید کرده‌اند. نمی‌توان منکر اقداماتی انجام‌شده از سوی آنها شد، اما این اقدامات نتوانسته‌اند عدالت آموزشی را رقم بزنند. امروز همچنان با فاصله‌ای زیاد از عدالت آموزشی مواجه هستیم، چرا با وجود این تأکیدات و اقدامات، همچنان مشکل داریم؟

سؤال خوبی است. اگر متصفانه نگاه کنیم، آموزش‌وپرورش به چنین پرسش‌ها و روشنگری‌هایی نیاز دارد. اگر بخواهیم گفتمان تعلیم و تربیت بر آموزش‌وپرورش حاکم باشد، باید این مسائل را مطرح کنیم. عدالت آموزشی چند وجه دارد و اگر به هر یک از این موارد ملاحظه‌نشده، عدالت آموزشی نیز محقق نخواهد شد. یکی از این موارد، فضای آموزشی و دسترسی دانش‌آموزان به مدرسه است. بعد از فضای آموزشی، نیروی انسانی اهمیت دارد، یعنی اگر مدرسه‌ای معلم نداشته‌باشد، صرفاً یک ساختمان است و کارایی ندارد، بنابراین عدالت آموزشی بدون معلمی کارآمد، ماهر، متعهد، دلسوز، خلاق و باتکیزه معنا ندارد. معلمی شرایط خاص خود دارد و نمی‌توان به هر کس شغل تدریس کند. فرض کنید مدرسه ساخته شده است، اما معلم باید هر روز مهارت‌های خود را ارتقا دهد. باید شرایطی فراهم شود که آموزش ضمن خدمت و رضایت شغلی معلمان تأمین شود تا آنها با آرامشی و ثبات کار کنند، دروغ‌های نداشته باشند. مسئله بعدی محتوا و مهارت‌های آموزشی و پرورشی است. این سه عامل - فضای آموزشی، نیروی انسانی و محتوا- باید وجود داشته باشند تا بتوان درباره عدالت آموزشی صحبت کرد. اما چرا همچنان مشکل داریم؟ چند نکته وجود دارد که باید حل شود. اول فضای آموزشی است. در برخی نقاط کشور کاهش جمعیت دانش‌آموزی داریم و مدارس و برخی مدارس حتی تعطیل شده‌اند. در مقابل، در برخی مناطق هر چقدر مدرسه ساخته شود، باز هم کم است. دلیل این مسئله تنش‌های جمعیتی است. در مناطقی مانند اطراف تهران، مهاجرت زیاد است و هر سال تعداد دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. برعکس، در برخی شهرستان‌های استان تهران، سالانه حدود ۲ هزارو ۵۰۰ دانش‌آموز به جمعیت مدارس اضافه می‌شود. اگر هر مدرسه ظرفیت ۴۰۰ دانش‌آموز داشته باشد، باید شش مدرسه جدید در سال ساخته شود تا پاسخگوی این افزایش جمعیت باشد. این مسئله خارج از کنترل آموزش‌وپرورش است و باید در سطح ملی مدیریت شود، به همین دلیل، در سند تحول بنیادین و برنامه هفتم توسعه تأکید شده است آموزش‌وپرورش یک امر ملی است و همه باید کمک کنند جمعیت به‌صورت متوازن توزیع شود و فضای آموزشی بموقع ساخته شود. اگر این وظیفه فقط بر عهده آموزش‌وپرورش باشد، کافی نیست و سایر نهادها نیز باید مشارکت کنند، اما دومین مسئله، محتوا و روش‌های آموزشی است. محتوا، تکنیک‌ها، روش‌های تدریس و استفاده از فناوری‌های نوین نقش مهمی در عدالت آموزشی دارند، البته خلاقیت و نوآوری در آموزش همیشه به معنای استفاده از تکنولوژی نیست. گاهی یک معلم با تغییر چندمان نیمکت‌های کلاس، به‌رویزی را افزایش می‌دهد و فضای ناشاطبی ایجاد می‌کند. برای مثال، دانش‌آموزان را به‌صورت گروه‌های سه نفره روبروی هم می‌نشاند تا تعامل بیشتری داشته باشند، نه اینکه صرفاً نظم سنتنی کلاس را حفظ کند. بخش زیادی از مهارت‌های آموزشی به نیروی انسانی بر می‌گردد. معلم می‌تواند ضعف کتاب‌های درسی و نقاط ضعف آموزش را جبران کند، بنابراین معلم نقش کلیدی در عدالت آموزشی دارد.

محتوای درسی سنگین و حفظ‌محور، معلم را ملزم می‌کند خط به خط کتاب را آموزش دهد و فرصتی برای خلاقیت او باقی نمی‌گذارد چرا که قرار است دانش‌آموزان با آزمون‌های متعدد

رو به‌رو شوند و نظام آموزشی از معلم، خواستار موفقیت دانش‌آموزان در این آزمون‌هاست. پس کتب درسی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این رویکرد به عدالت آموزشی آسیب نمی‌زند؟

بله، معلم زمانی نمی‌تواند آموزش مؤثری ارائه دهد که محتوای کتاب بیش از حد سنگین و حفظ‌محور باشد. در چنین شرایطی، فرصت خلاقیت و نوآوری از معلم گرفته می‌شود و او مجبور است صرفاً مطالب را منتقل کند، بدون اینکه بتواند مهارت‌های تفکر، تحلیل و خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت کند. علاوه بر این، کتب درسی باید بر اساس برنامه درسی ملی تدوین شوند. این پرسش مطرح است که هدف ما از این ۲۰ سال آموزش چیست؟ آیا صرفاً می‌خواهیم دانش‌آموزان در پایان مدرسه فیزیک، ریاضی، علوم تجربی، علوم انسانی یا هنرستان را خوانده باشند؟ آنچه مهم‌تر از رشته تحصیلی است، این است که دانش‌آموزان پس از ۱۲ سال یادویژگی‌های مشخصی داشته باشند، از جمله، رفتار فردی مناسب، نظم اجتماعی، مهارت‌های هنری، آرامش روانی، نشاط و امید، این موارد باید در برنامه درسی ملی دیده شوند تا آموزش‌وپرورش صرفاً به آموزش دروس محدود نشود، بلکه جنبه‌های تربیتی و مهارتی نیز در آن لحاظ شود. محتوا، مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی و خلاقیت را نیز به دانش‌آموزان منتقل کند. اگر این اتفاق نیفتد، عدالت آموزشی ناقص خواهد بود. یکی از خطرات جدی که می‌تواند آموزش‌وپرورش را تهدید کند، این است که صرفاً به آموزش توجه شود و جنبه پرورشی نادیده گرفته شود. اگر آموزش‌وپرورش به وزارت آموزش تبدیل شود، نه تنها آموزش ناقص خواهد بود، بلکه پرورش نیز از دست خواهد رفت.

آقای پزشکیان بارها بر ضرورت برقراری عدالت آموزشی تأکید کرده و صراحتاً می‌گوید که کشور با کمبود امکانات آموزشی مواجه است و باید تمام تلاش‌ها صرف تحقق عدالت آموزشی شود. چطور می‌توان اطمینان حاصل کرد که اولویت دادن به آموزش‌وپرورش عملیاتی شود؟

آموزش‌وپرورش از مدت‌ها پیش باید اولویت اول کشور قرار می‌گرفت، اما عمدتاً در حد شعار باقی ماند و در یک مقطع طولانی، اولویت اصلی نبود. در واقع، اولویت دادن واقعی به آموزش‌وپرورش یک امر از نیروی انسانی پایدار، توجه به دانشگاه فرهنگیان، تقویت حوزه تربیت معلم و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رشد و توسعه این بخش. در حال حاضر، آقای دکتر پزشکیان این موضوع را هدف‌گذاری کرده است. من بدون هیچ‌گونه جانبداری یا نگاه آماری عرض می‌کنم که تقریباً هیچ رئیس‌جمهوری در هفت یا هشت دهه اول خدمت خود، شخصاً ۲۸ جلسه برای آموزش‌وپرورش برگزار نکرده است. این نشان‌دهنده توجه ویژه به این حوزه است و اهمیت آموزش‌وپرورش در سطح ملی را نشان می‌دهد. چنین رویکردی، مسیر کشور را رو به بهبود می‌کشد، زیرا همه چیز در آموزش‌وپرورش اتفاق می‌افتد. پایه‌های اقتصاد، امنیت، بهداشت، سلامت جسم و روان دانش‌آموزان و آینده کشور همگی در آموزش‌وپرورش شکل می‌گیرند. اگر بخواهیم آینده کشور را ببینیم، باید وضعیت آموزش‌وپرورش امروز را بررسی کنیم. حال رئیس‌جمهور آموزش‌وپرورش را اولویت اول کشور می‌داند و تأکید دارد که آموزش نباید فقط برای کسانی باشد که دسترسی دارند، بلکه باید بررسی کنیم چه کسانی نمی‌توانند از آن بهره‌مند شوند. نباید شرایط به گونه‌ای باشد که اگر کسی پول نداشت، از آموزش محروم شود و از مسیر رشد و موفقیت بیرون برود.



علی فرهادی | جوان

اما در این میان، مدارس غیردولتی، به‌ویژه آنهایی که شهریه‌های گران‌قیمت دریافت می‌کنند، مانعی برای مسیر تحقق عدالت آموزشی هستند. شما اینطور فکر نمی‌کنید؟

در هر کشوری قانون حکمفرماست، حتی اگر قانونی ضعیف‌ایی داشته باشد یا باید اجرا شود یا باید اصلاحش کرد. کشور بدون قانون اداره نمی‌شود. مدارس غیردولتی نیز بر اساس قانون مصوب مجلس فعالیت می‌کنند و تا زمانی که این قانون ابطال نشده، آموزش‌وپرورش موظف است مطابق آن مجوز صادر کند، نظارت داشته باشد و در صورت تخلف، مجوز را لغو کند، بنابراین مدارس غیردولتی در یک‌بستر قانونی فعالیت می‌کنند و این نگاه حقوقی به موضوع است، اما اگر بخواهید نگاه شخصی من را به عنوان یک «معلم» بدانید، متقدم ما خیلی زود به سمت خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش رفتیم. در حالی که هنوز کارخانه‌ها، خودروسازی، پالایشگاه‌ها و صنایع بزرگ دولتی هستند، آموزش‌وپرورش نباید اولین حوزه‌ای باشد که به بخش خصوصی واگذار می‌شود. باید این سؤال را مطرح کنیم، اگر قرار باشد بخش‌هایی از کشور را به بخش خصوصی واگذار کنیم، کدام حوزه‌ها باید در اولویت باشند؟ آیا خودروسازی، پالایشگاه، فولاد، راه‌سازی و ساختمان‌سازی باید در اولویت باشند یا آموزش‌وپرورش؟ به نظر من، خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش باید در آخرین اولویت قرار گیرد، زیرا آموزش‌وپرورش مستقیماً با آینده کشور و عدالت اجتماعی در ارتباط است.

با توجه به اینکه می‌گویید نگاه دولت و رئیس‌آن، نگاه حمایت از آموزش‌وپرورش و تلاش برای تحقق عدالت آموزشی است، چگونه این از فرصت استفاده می‌کنید تا نتایج رضایت‌بخشی حاصل شود؟

اگر بخواهم ساده و صریح پاسخ دهم، این اتفاق زمانی محقق می‌شود که نگاه عدالت‌محور و حمایت‌های دولتی پیوسته باشد و هیچ‌وقت قطع نشود، زیرا به محض قطع شدن، اثر منفی خواهد داشت. اجازه دهید یک مثال بزنم. ما زمانی در کشور بیش از ۵۰۰ هم‌کر تربیت معلم داشتیم، این مراکز شامل دانشسراها بودند که دانش‌آموزان از دبلیام وارد دوره فوق‌دبلیم می‌شدند و حتی برخی از سوم راهنمایی وارد این مراکز و پس از دریافت دبلیم، معلم ابتدایی می‌شدند، اما آن ۵۰۰ هم‌کر تربیت معلم ناگهان تعطیل شد و نظام تربیت معلم برای بین‌فرد، از آن زمان، برخی تصور می‌کردند با تعطیلی این مراکز، جریان ورودی نیروی انسانی از مسیر دیگری تأمین خواهد شد، اما هیچ برنامه‌ای برای تأمین معلمان کشور در نظر گرفته نشده بود و این تصمیم آسیب‌جدی به نظام آموزشی وارد کرد، حتی زمانی که دانشگاه فرهنگیان احیا شد (در سال ۱۳۹۰)، ابتدا دانشجویمعلم جذب شد، اما از سال ۱۳۹۲ به بعد، ورودی‌های این دانشگاه به شدت کاهش یافت. این روند ادامه داشت تا سال ۱۳۹۷ که مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان حضور یافتند و سخنرانی کردند. ایشان اهمیت این دانشگاه را مورد تأکید قرار دادند و این موضوع باعث شد نگاه‌ها به سمت دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه‌های راجعی وار د کرد، حتی زمانی که دانشگاه فرهنگیان احیا شد و چشمه جوشان تأمین نیروی انسانی آموزش‌وپرورش هستند و اکنون تقریباً صد درصد ظرفیت این دو دانشگاه به دانشجویمعلمان اختصاص یافته است. این دانشگاه‌ها با بالاترین توان و ظرفیت دانشجوی جذب می‌کنند، اما فضای موجود، خوابگاه‌ها و امکانات کافی نیست، بنابراین اگر بپرسید چه باید کرد؟ پاسخ من این است که عدالت آموزشی باید پیوسته باشد. نمی‌توان سه یا چهار سال توجه کرد، سپس هفت، هشت یا ۱۰ سال آن را نادیده گرفت و دوباره به آن توجه کرد.

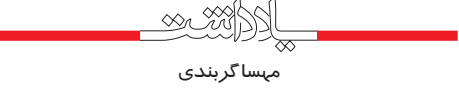
«خودش‌رقی‌سازی» در برابر مانور تجمل!

سرانجام پس از هفته‌ها مقدمه‌چینی و مانور رسانه‌ای امریکادر رابطه با سفر رئیس‌جمهور این کشور به عربستان سعودی، در روزهای اخیر این سفر پر حاشیه‌به‌وقوع پیوست. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده آمریکا در سفر مهمی که نقطه عطف روابط خارجی دولت او در خاورمیانه محسوب می‌شود، با استقبالایی پررزون و برق از سوی حکام سعودی مواجه شد.

این سفر که با قراردادهای میلیارد دلاری تسلیحاتی و تجاری میان سعودی‌ها و امریکا همراه بود، نه تنها یک مرادوه صرف سیاسی بلکه مانوری از تجمل و تظاهر به توسعه‌یافتگی برای بازنمایی چهره ریاض به عنوان الگوی «مدرنیته اسلامی» در منطقه و خصوصاً در مقابل ایران بود. ترامپ در سخنان خود توسعه عمرانی و اقتصادی عربستان را ستود و آن را الگویی برای خاورمیانه «بدون تروریسم» و «هملوار تجارت» معرفی کرد. او با لحن پر اکتی و سیاه‌نمایی از وضعیت داخلی ایران، به مقایسه شرایط اقتصادی و عمرانی ایران و عربستان پرداخت و سعودی‌ها را حاکمانی نامید که بیابان‌ها را تبدیل به شهرهای باشکوه می‌کنند؛ مانوری که برق تیز آن چشم برخی فعالان و تحلیلگران خودباخته داخلی ایران را گرفت که با استقبال از این نمایش زرق و برق، به ستایش توسعه‌طاهری سعودی و تحقیر وضعیت داخلی ایران بپردازند؛ واکنش‌های ذلیلانه و محقرانه‌ای که یادآور نظریه مهم «خودش‌رقی‌سازی» ادوارد سعید هستند.

خودش‌رقی‌سازی به معنی درونی‌سازی کلیشه‌های شرق شناسانه غرب است که در شرق را به عنوان فضای عقب‌مانده و غرب با وابستگی‌اش را به عنوان نماد پیشرفت و توسعه‌یافتگی معرفی می‌کند و افرادی از دل خود جوامع شرقی را پذیرش این کلیشه‌های بر ساخته، به تثبیت و ترویج این گفت‌وتمان استعماری می‌پردازند. در خودش‌رقی‌سازی فرد از هویت جمعی و تاریخی ملت خود جدا می‌افتد و به ستایش ملد های بیگانه می‌پردازد. این واکنش‌ها یا پذیرش روایت غربی درباره توسعه به تضعیف اعتمادبه‌نفس ملی و مشروعیت‌زدایی از گفت‌وتمان مقاومت کمک می‌کند.

ظاهر انشائش آسمانخراش‌های بلند سعودی و مرمهرای سفید به کار رفته در کاخ‌های بزرگ عربی، طوری چشم‌جم‌های این فعالان خودباخته را گرفته که دیکتاتوری و سرکوب‌ها و خفقان سیاسی سعودی، از جانب علیه حاشیجی تا کشتارهای شهر قطیف را فراموش کرده‌اند. بسیاری از شاهزادگان سعودی، در نتیجه توطئه حاکمان سعودی سال‌هاست در حبس‌های طولانی مدت به سر می‌برند. غالب گروه‌های تروریستی منطقه در دهه اخیر با تکیه بر پشتیبانی مالی و تسلیحاتی سعودی به قتل عام و جنایت علیه ملت‌ها پرداخته‌اند. باید یادآور شد که چند طراح‌ی گرافیکی و رؤیابر دازی‌های خام‌روی کانف‌درباره تأسیس دانشگاه سبز مدرن در صحراهای حجاز، هیچ‌گاه باعث مغفل ماندن توسعه‌نیافتگی سیاسی و دیکتاتوری‌های سرکوب‌گرانه سعودی علیه ملت‌ها نخواهد بود. برای مقابله با این خودش‌رقی‌سازی، رسانه‌ها و نتجیان ایرانی باید به بازسازی گفت‌وتمان ملی مبتنی بر عزت و خودپوری بپردازند. این مهم، با تکیه بر کلام علوی و تأکید بر شناخت حقیقت ممکن است، رسانه‌ها می‌توانند تحمیر، به صلاح این نگاه کمک کنند. در نهایت، به قول امیرالمؤمنین(ع): «عَظُمُ الْعَظِيمَةُ ابْتِلَاءُهُ الْبَکِیْرَةُ» (هر کس مصیبت دشمن را بزرگ شمارد، خدا او را به مصیبت بزرگ‌تر گرفتار کند). تحقیر وطن و بزرگنمایی قدرت دشمن، مصیبتی فکری است که می‌تواند به ضعف‌های بزرگ‌تر منجر شود.



مهسا گردندی

«تحول در آموزش»

و عده‌ای بزرگ، راهی دشوار!

آموزش‌وپرورش زیربنای پیشرفت یک جامعه است. از کلاس‌های ابتدایی تا تحصیل در آموزش عالی، همه و همه از مدارس آغاز می‌شود. با وجود این اما سال‌های سال است سیستم آموزشی کشور با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شده؛ از کمبود و فرسودگی فضاهای آموزشی گرفته تا مشکلات محتوای درسی که با نیازهای دنیای امروز همخوانی ندارد. در چنین شرایطی، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور وعده داده است تمامی مدارس کشور را نوسازی می‌کند و روش‌های آموزشی را تغییر می‌دهد. او می‌گوید: «همه مدارس را درست می‌کنیم، دولتی‌ها را تجهیز خواهیم کرد و روش‌های آموزشی را هم تغییر می‌دهیم.» این سخنان، در نگاه اول، نوید تحولی بزرگ در سیستم آموزشی کشور را می‌دهد، اما سؤال کلیدی این است، این تغییر چگونه و با چه برنامه‌ای قرار است اجرا شود؟

پزشکیان در نشست با فعالان سیاسی و اجتماعی استان کرمانشاه تأکید کرده است: «همه مدارس در سراسر کشور، را طی مدت دو سال درست می‌کنند که سبک‌بختی مدارس، با وجود این از جای سؤال دارد. آیا قرار است نظام برای اجرای این طرح، بیشتر بر مشارکت مردم حساب باز کرده‌است، اما آیا چنین پروژهای بدون تأمین مالی پایدار، به نتیجه می‌رسد؟ تجربه نشان داده است طرح‌های بزرگ نوسازی مدارس، به حمایت‌های جدی دولتی نیاز دارند. تا زمانی که منابع ملی مشخص و برنامه‌ریزی دقیق برای اجرا وجود نداشته باشد، بیش از آنکه شاهد تحول باشیم، با چالش‌های اجرایی روبه‌رو می‌شویم.

بخش دیگری از وعده پزشکیان مربوط به تغییر در شیوه آموزش است؛ تغییر در سبک‌بخت محقق شدن آن نیز جای سؤال دارد. آیا قرار است نظام آموزشی کشور بر اساس استانداردهای نوین جهانی طراحی شود یا اینکه تغییرات صرفاً در سطح شیوه تدریس معلمان خلاصه می‌شود؟

برواضح است که محتوای آموزشی کشور به تحول نیاز دارد. امروز در بسیاری از کشورها، مدارس بر مبنای مهارت‌محور و آموزش خلاقانه اداره می‌شوند، اما هنوز در ایران، تمرکز بیشتر بر حفظیات است، نه مهارت‌های کاربردی. حال اگر قرار باشد وعده رئیس‌جمهور به اصلاحات جدی و عملیاتی در محتوای درسی منجر شود، باید انتظار داشته باشیم مدل یادگیری دانش‌آموزان تغییر کند و آموزش نیز بر پایه مهارت‌های آینده‌محور تنظیم شود.

عده کارشناسان بر این باورند که آموزش، باید مهم‌ترین بخش بوده دولت باشد، همانطور که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، آموزش اولویت اول است، با وجود این که آموزش‌وپرورش کشورمان، همواره با کمبود منابع، تغییرات مکرر مدیریتی و تصمیمات کوتاه‌مدت روبه‌رو شده است. حال اگر دولت چهاردهم واقعاً بر این تحول مصمم است، باید برنامه‌ای عملیاتی، شفاف و دقیق برای آن ارائه کند. اصلاح نظام آموزشی تنها با وعده‌های کلی محقق نمی‌شود، باید بودجه تأمین شود، محتوای آموزشی مورد بازبینی کارشناسانه قرار گیرد و زیرساخت‌های لازم برای این اقدامات فراهم شود.

بی‌تردید این ویژگی، یک امید است؛ امید به بازسازی مدارس، امیدی به تغییر شیوه‌های آموزشی، امیدی به آینده‌ای که در آن، آموزش دیگر یک چالش نیست، بلکه یک فرصت برای پیشرفت است، اما این امید، بدون تصمیمات جدی و برنامه‌های عملی، به واقعیت تبدیل نمی‌شود. اجرای این تحول، نه تنها به اراده دولت، بلکه به عزم همه نهادهای مسئول و همراهی مردم بستگی دارد و اگر این تغییرات با عزم جدی همراه باشد، آموزش‌وپرورش به جایگاه واقعی خود برسد، شاید در آینده، دیگر نیازی نباشد درباره مشکلات مدارس بنویسیم، بلکه از پیشرفت‌های آن خواهیم گفت.

بنابراین رضایت معلمان باز نشتنه را جلب کنیم و آنها را در سیستم آموزشی نگه داریم، دانش‌آموزان به‌طور مستقیم از تجربه ۳۰ ساله آنها بهره‌مند خواهند شد. این یکی از مؤثرترین راهکارها برای مدیریت نیروی انسانی در آموزش‌وپرورش است.

در تمام این سال‌ها، چه چیزی بیشترین لطمه را به آموزش‌وپرورش زده است؟

آموزش‌وپرورش یک کار مینیاتوری و بسیار ظریف است. این حوزه حساسیت بالایی دارد و هیچ بخشی از آن ساده نیست. اگر بخواهم صریح و روشن پاسخ دهم، بزرگ‌ترین آسیب، عدم ثبات مدیریتی در آموزش‌وپرورش بوده است. اگر تعداد وزرا و سرپرستان آموزش‌وپرورش را بررسی کنیم، میانگین حضور آنها کمتر از دو سال است، این در حالی است که آموزش‌وپرورش بزرگ‌ترین دستگاه اجرایی کشور است و ۴۴/۲ درصد از دولت را شامل می‌شود. چنین نهادی نیاز به ثبات مدیریتی دارد تا بتواند برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشد و از تصمیمات لحظه‌ای و مقطعی آسیب نبیند. آموزش‌وپرورش از تالطم‌های مدیریتی ضربه خورده است. اگر مدیریت این حوزه ثبات پیدا کند، فرصت خواهد داشت مشکلات را به روش مناسب و حل کند، اما اگر مدام تغییر کند، هر تیم مدیریتی جدید باید از ابتدا مسائل را بشناسد و این چرخه بی‌پایان، مانع پیشرفت خواهد شد. نکته دوم این است که آموزش‌وپرورش باید از سوی افراد متخصص اداره شود. این حوزه کاملاً تخصصی است

و کسانی که سکان آن را در دست می‌گیرند، باید از دل مدرسه آمده باشند. به اعتقاد من، بهترین مدیران آموزش‌وپرورش کسانی هستند که مسیر تربیت معلم را طی کرده‌اند، یعنی ابتدا دانشجویمعلم بوده‌اند، سپس معلم شده و تجربه تدریس در کلاس درس را داشته‌اند. مدیریت کلاس درس، تجربه‌ای منحصر به فرد است. یک معلم باید بتواند هم‌زمان با کیفیت فقط یک مدیر بت باشد، فضایی با نشاط و پویا ایجاد و در عین حال، روح و روان دانش‌آموزان را در کر کند. دانش‌آموزان مانند دانشجویان دانشگاه نیستند که آرام و منظم در یک کلاس بنشینند، آنها نیاز به تعامل، انرژی و فضای مناسب برای یادگیری دارند، بنابراین مدیران آموزش‌وپرورش باید کسانی باشند که این فضا را تجربه کرده‌اند، نه افرادی که بدون شناخت از محیط مدرسه، صرفاً از بیرون وارد این سیستم شده‌اند.

آیا سنجش و آزمون‌های فعلی دانش‌آموزان را عدالت‌محور می‌دانید؟

این نوع آموزش‌و سنجش باعث می‌شود دانش‌آموزان پس از ۱۲ سال تحصیل، در وروده به جامعه موفق عمل کنند؟

سنجش و ارزیابی دانش‌آموزان باید مبتنی بر اسناد بالادستی باشد. ما چند سند معتبر داریم که باید تمام برنامه‌های آموزشی و ارزیابی را بر اساس آنها تنظیم کنیم. سند تحول بنیادین، نر زیرنظم‌های این سند و قانون برنامه هفتم توسعه از جمله این اسناد هستند. اگر برنامه‌ریزی آموزشی و سنجش دانش‌آموزان بر اساس این اسناد انجام نشود، خروجی مطلوبی نخواهیم داشت، در عین حال، نمی‌توان گفت که به تمام این اسناد انجام نشود، خروجی مطلوبی آزمون، کنکور و امتحانات نهایی نباید وجود داشته باشند. این هم نگاه درستی نیست. دانش‌آموز باید تعادل را حفظ کند، یعنی همه روحیه و نشاط خود را داشته باشد، هم استرس خود را مدیریت و ورزش کند و هم مهارت‌های مطالعه و آزمون دادن را بیاموزد. یکی از اقدامات مثبت در این زمینه، تأثیر معدل در کنکور است. در گذشته، سرنوشت دانش‌آموز در یک جلسه چهار ساعته کنکور تعیین می‌شد که این روش بسیار خطر و استرس‌زا بود، اما اکنون معدل دانش‌آموزان نیز در نتیجه کنکور تأثیر دارد که این تغییر، فرایند سنجش را عادلانه‌تر کرده است.

چطور می‌توان آینده‌ای روشن برای کشور ترسیم کرد؟

اگر واقعاً آینده‌ای روشن برای کشور می‌خواهیم، باید به آموزش‌وپرورش بازگردیم. تمام مؤلفه‌های پیشرفت، از امنیت و اقتدار بین‌المللی گرفته تا اقتصاد قوی و موفقیت ورزشی، همگی از مدارس ابتدایی آغاز می‌شوند، نه از دلال‌های ورزشی یا مربیان خارجی. هویت ملی و دینی، مبانی عقیدتی و ارزش‌های اجتماعی نیز در مدارس شکل می‌گیرند. اگر می‌خواهیم مبانی دینی و فرهنگی مانند حجاب تقویت شود، باید به آموزش‌وپرورش توجه کنیم. اگر اقتصاد کشور را قوی‌تر می‌خواهیم، باید دانش‌آموزان را به کارآفرینی هدایت کنیم. یک دانش‌آموز کارآفرین می‌تواند کشور را نجات دهد، اما اگر فضای مدرسه برای او درست طراحی نشود، ممکن است به یک مجرم تبدیل شود. این همان نقطه‌ای است که آموزش‌وپرورش می‌تواند مسیر آینده یک فرد و در نهایت، مسیر آینده کشور را تعیین کند.

هیچ کشور مقتصدی بدون سرمایه‌گذاری در آموزش‌وپرورش به موفقیت نرسیده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند تمام عوامل اقتصادی، یک رشد چشمی داشته‌اند، مانند ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی، روی آموزش‌وپرورش سرمایه‌گذاری کرده‌اند، آموزش‌وپرورش امری ظریف و مینیاتوری است. نمی‌توان چکشی و سریع عمل و همچنین نمی‌توان با آن سطحی و ساده برخورد کرد. آموزش‌وپرورش یک حوزه مصرفی و هیجانی نیست، بلکه نیاز به تصمیم‌گیری‌های عمیق و دقیق دارد.